

Original Article

Marriage Age and Its Status in International Instruments

Rasool Zamani¹, Alireza Saberian^{2*}, Mohammad Rouhani Maghaddam³

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author) Email: Ali1341ali@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 31 Jan 2019 Accepted: 29 Nov 2020

Abstract

Background and Aim: Child Marriage has been repeatedly introduced as a harmful phenomenon in various books and articles. Many books and articles on the rights of children and spouses have been published in the international research space, but the common feature of these books and articles in the study of spouses with a statistical view in different regions and countries is clear. Existing international documents identify it as a clear violation of human rights and international statistics and studies show that the most vulnerable groups in this phenomenon are girls and children. The purpose of this study is to explain and analyze the concept of child marriage and its place in international and regional documents and resolutions of the current situation of the international community in the field of child marriage.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: The existing international approach in the field of child marriage considers poverty, deprivation of education and cultural and religious traditions as the main factors for the establishment of this phenomenon in the international community. This phenomenon can cause much harm to its victims, although the child of a spouse, regardless of gender, can also affect adolescent boys and expose them to many dangers and social and psychological harms. However, due to the large differences and differences in the rate of child marriage statistics among adolescent girls, this issue has received less attention due to its male victims.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Due to their responsibilities under various international instruments in the field of child marriage, especially international human rights instruments, countries that face this phenomenon more widely than other countries can adapt their domestic laws to the guidelines contained in these instruments to international standards in this field. Get closer and reduce the rate of child marriage and early marriages. International resolutions and conventions in this field, regardless of the binding or non-binding effect of these instruments on the members of the United Nations, can be the basis for the gradual development and extension of soft international law and customary rules and, consequently, the ratification of more binding treaties in this field.

Keywords: Human Rights; Minors; Marriage; Age of Marriage

Please cite this article as: Zamani R, Saberian A, Rouhani Maghaddam M. Marriage Age and Its Status in International instruments. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 353-365.*

سن ازدواج و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی

رسول زمانی^۱، علیرضا صابریان^{۲*}، محمد روحانی مقدم^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Ali1341ali@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۹

چکیده

زمینه و هدف: کودک‌همسری بارها به عنوان پدیده‌ای آسیب‌زننده در کتب و مقالات مختلف معرفی شده است. کتب و مقالات زیادی در زمینه حقوق کودک و کودک‌همسری در فضای پژوهشی بین‌المللی منتشر شده است، اما ویژگی مشترک این کتب و مقالات در بررسی کودک‌همسری با نگاه آماری در مناطق و کشورهایی مشخص است. اسناد بین‌المللی موجود آن را نقض صریح حقوق بشر معرفی کرده و آمارهای و مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که آسیب‌پذیرترین قشر موجود در این پدیده دختران کودک و نوجوان‌اند. هدف از پژوهش حاضر تبیین و تحلیل مفهوم کودک‌همسری و جایگاه آن در اسناد و قطع‌نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و وضعیت فعلی جامعه جهانی در زمینه کودک‌همسری می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: رویکرد بین‌المللی موجود در زمینه کودک‌همسری، فقر، محرومیت از تحصیل و سنت‌های فرهنگی و مذهبی را عوامل اصلی استقرار این پدیده در سطح جامعه بین‌المللی می‌داند. این پدیده می‌تواند آسیب‌های متعددی را برای قربانیان آن به همراه داشته باشد، اگرچه که کودک‌همسری فارغ از جنسیت می‌تواند پسران نوجوان را نیز تحت تأثیر قرار داده و خطرات و آسیب‌های اجتماعی و روانی متعددی را متوجه آن‌ها سازد، اما به دلیل و اختلاف و فاصله فاحش نرخ آمار کودک‌همسری در میان دختران نوجوان کمتر به این مسأله با توجه به قربانیان مذکور آن پرداخته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به مسئولیت‌های مستقر در اسناد بین‌المللی مختلف در زمینه کودک‌همسری علی‌الخصوص اسناد بین‌المللی حقوق بشری، کشورهایی که به صورت گسترده‌تری از سایر کشورها با این پدیده مواجه هستند، می‌توانند با تطبیق قوانین داخلی خود با دستورالعمل‌های موجود در این اسناد به استانداردهای بین‌المللی در این زمینه نزدیک‌تر شده و میزان نرخ آمار کودک‌همسری و ازدواج‌های زودهنگام را کاهش بدهند. قطع‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در این زمینه فارغ از اثر الزام‌آور یا غیر الزام‌آور این اسناد بر اعضای سازمان ملل متحد می‌توانند مبنای توسعه و گسترش تدریجی حقوق نرم و قواعد عرفی بین‌المللی و به تبع آن تصویب معاهدات الزام‌آور بیشتری در این زمینه در جامعه جهانی بشوند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ اشخاص صغیر؛ نکاح؛ سن ازدواج

مقدمه

عالم حقوق، مجموعه مقرراتی می‌باشد که هدف آن تنظیم روابط میان تابعان حقوق است. در واقع رسالت اصلی هنجارهای حقوقی، تضمین منافع همه اعضای جامعه می‌باشد. در جهت نیل به همین هدف، نهادها و مفاهیم حقوقی مختلف، دارای شرایط و ارکانی هستند که بدون آن‌ها، کارکرد اصلی نهادهای مزبور با چالش مواجه می‌شود. یکی از نهادهای مزبور، ازدواج است. ازدواج در تمام فرهنگ‌ها و مذاهب، یک امر مقدس محسوب می‌شود. دلیل این تقدس نیز، به این امر بازمی‌گردد که ازدواج سنگ‌بنای مفهوم خانواده در جامعه می‌باشد. با توجه به اهمیت این نهاد، قانونگذار در کشورهای مختلف و حتی در اسناد بین‌المللی در ارتباط با شرایط ازدواج مسائل خاصی را مطرح کرده است. یکی از شرایط مهم در ارتباط با ازدواج، حداقل سن افراد برای ازدواج می‌باشد، به تبع این امر، یک مقوله مهم تحت عنوان کودک‌همسری در ادبیات حقوقی - اجتماعی نویسندگان مطرح شده است.

نکاح صغیر یا کودک‌همسری به ازدواج، نکاح و هر نوع پیوند زناشویی رسمی و یا غیر رسمی اطلاق می‌شود که در آن شخصی که کمتر از ۱۸ سال سن دارد، با شخصی که کم‌تر و یا بیشتر از ۱۸ سال سن دارد ازدواج می‌کند. معیار و ملاک قرارداد ۱۸ سال سن بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ تعیین شده و باید توجه داشت که بر اساس ماده ۱ کنوانسیون مذکور در کشورهایی که سن قانونی کم‌تر از ۱۸ سال تلقی می‌شود، آن سن معیار و ملاک تمییز کودک از بالغ است، اگرچه در اکثریت نظام‌های حقوقی همان ۱۸ سال سن به عنوان حداقل سن مجاز برای نکاح و ازدواج مقرر شده، اما در سایر کشورها که این معیار متفاوت در نظر گرفته شده است، افزایش و یا کاهش حداقل سن مجاز برای نکاح را مشاهده می‌کنیم، البته عوامل سنتی، فرهنگی و اجتماعی و شرایط متفاوت می‌توانند منجر به ازدواج زودهنگام افراد شود، در برخی نظام‌های حقوقی رضایت والدین یا بارداری نوجوانان از مصادیق صدور مجوز برای ازدواج زودهنگام تلقی می‌شود. امروزه این پدیده بیشتر در بخش‌هایی از آفریقا، آسیا، آمریکای جنوبی و اقیانوسیه علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه

این مناطق دیده می‌شود، البته این به معنای عدم وجود کودک‌همسری در کشورهای توسعه‌یافته نیست، برای مثال در ۱۷ ایالت کشور ایالات متحده آمریکا هیچ قانونی برای تعیین حداقل سن مجاز ازدواج وجود ندارد، پدیده کودک‌همسری یا همان نکاح صغیر در عالم حقوق در فضایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که مفاهیمی مانند حقوق بشر، حقوق کودکان، حقوق باروری و جنسی و حقوق زنان مستقیماً به آن مرتبط هستند و همواره این پدیده در اسناد بین‌المللی مختلف از این زوایا مورد بررسی قرار گرفته است.

کودک‌همسری بر مبنای تعریفی که امروزه از آن ارائه می‌شود، پدیده‌ای رایج در گذشته بوده است قبل از انقلاب صنعتی در بسیاری از نقاط جهان از جمله هند، چین و اروپای شرقی زنان پس از رسیدن به سن بلوغ و در دوره نوجوانی ازدواج می‌کردند، جوامع بشری در آن زمان گستردگی امروزه را نداشته و در اکثریت آن‌ها کشاورزی پیشه اصلی مردمان به حساب می‌آمده است، بدین‌جهت زنان زودتر از مردان ازدواج می‌کردند، زیرا بر اساس سنت آن دوره جوامع مردان مجرد به هدف دستیابی به موقعیت مالی و اجتماعی مناسب برای تأمین معاش خانواده، ازدواج را تا دهه دوم و حتی دهه سوم زندگی خود به تأخیر می‌انداختند. امروزه نیز سهم دختران در آمارهای ارائه‌شده از کودک‌همسری در سطح جهان بیشتر از پسران نوجوان است، این موضوع باعث شده تا در مقالات متعدد ارائه‌شده در این زمینه کم‌تر به سهم پسران نوجوان در آسیب‌های ناشی از این پدیده پرداخته شود.

اگرچه در تعیین حداقل سن ازدواج اشخاص در نظام‌های حقوقی سیاست قضایی محاکم داخلی، سنت‌ها و فرهنگ جوامع تأثیر زیادی دارد، اما در نظر جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسف و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پدیده کودک‌همسری از مصادیق نقض حقوق بشر و حقوق کودک تلقی می‌شود. ازدواج کودکان پیامدهای منفی گسترده و بلندمدتی دارد، آسیب‌های روانی و جسمی جدی، مانند بارداری و زایمان نوجوانان، از بین‌رفتن فرصت‌های شغلی و تحصیلی اشخاص برای دختران و فشارهای اقتصادی و معیشتی، محرومیت از تحصیل و فرصت‌های شغلی

مناسب و تجربه مسئولیت پدری در سنین نوجوانی برای پسران از مصادیق این پیامدهای منفی است.

غالباً کودک‌همسری در کشورهای در حال توسعه متأثر از فقر، سنن فرهنگی، عدم آگاهی و تحت فشار قرار گرفتن افراد توسط جامعه است. برای مثال شیربها به عنوان پولی که داماد برای ازدواج با دختر خانواده به آن خانواده می‌پردازد، در کشور افغانستان پدیده‌ای رایج و یکی از علل اصلی کودک‌همسری تلقی می‌شود و یا این تصور در ذهن بعضی دختران جوان که اگر در سنین نوجوانی ازدواج نکنند، با فرصت‌های کم‌تری در آینده مواجه می‌شوند، ناشی از باورهای اجتماعی است که ریشه در عدم آگاهی و بی‌سوادی دارد. باتوجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده است و روش جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای است، به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که اساساً مسأله حداقل سن ازدواج در فضای اسناد بین‌المللی چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟ فرضیه اصلی در پژوهش حاضر این است که با توجه به این‌که دولت‌ها، مسأله حداقل سن ازدواج را با در نظر گرفتن متغیرهایی از جمله فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب و سنت‌ها در نظام‌های حقوق داخلی خود تعیین می‌کنند، در عرصه حقوق بین‌المللی و اسناد آن، اسناد راجع به این مسأله، کم‌تر با اقبال دولت‌ها، به ویژه دولت‌های کم‌تر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته مواجه شده است. از سوی دیگر، طراحان و بازیگران غیر دولتی نیز، پرداختن به مسأله حداقل سن ازدواج را به اسناد غیر الزام‌آور یا به تعبیری حقوق نرم بین‌المللی واگذار نموده‌اند. به بیان ساده‌تر، هدف از پژوهش حاضر تبیین وضعیت فعلی کودک‌همسری در سطح جهان با توجه به مستندات و آمارهای بین‌المللی است همچنین آن دسته از اسناد بین‌المللی که به نوعی با این پدیده مرتبط هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زمینه‌های تاریخی حداقل سن ازدواج

در عالم حقوق عناوین حقوقی نقشی اساسی دارند، اهمیت این مسأله از آن جهت است که عناوین حقوقی در تمامی زمینه‌ها در جریان رسیدگی حقوقی به مناقشات مختلف نقشی

تعیین‌کننده دارند. احکام صادرشده در موضوعات مختلف تابع عناوین حقوقی مرتبط با آن پرونده قضایی هستند (۱)، در زمینه اشخاص چه حقیقی و چه حقوقی زنجیره منطقی شخصیت - اهلیت - صلاحیت و مسئولیت تعیین‌کننده وضعیت حقوقی آن‌ها می‌باشد، از آنجا که در روابط حقوقی تابعان حقوق ممکن است فروض مختلفی بر آن روابط حاکم باشد، باید بین شخص صغیر یا همان کودک و بالغ قائل به تفکیک بود (۲)، ضمناً در نظام‌های حقوقی مختلف برای تعیین مسئولیت کیفری، صلاحیت مداخله در امور مالی و حداقل سن مجاز ازدواج قواعد و مقررات مختلفی وضع شده است (۳). بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، کودک شخصی است که کم‌تر از ۱۸ سال سن دارد، مگر این‌که در قوانین و مقررات داخلی کشورها اشخاص در سنی کم‌تر و یا بیشتر از ۱۸ سال نسبت به قانون مخاطب مسئولیت قرار گیرند که در این فرض همان سن ملاک و معیار تمیز شخص کودک یا صغیر از بالغ تلقی می‌شود. بر اساس مفاد ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک و همچنین مقررات موجود در اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری سن مسئولیت کیفری که به تعبیری با توجه به ضمانت اجرای آن بالاترین درجه مسئولیت است ۱۸ سال تعیین شده است (۴). صغیر در نظام حقوقی ایران اقسام مختلفی دارد، آنچه از احکام فقهی جاری در نظام حقوقی ایران استنباط می‌شود، پسر بعد از ۱۵ سال و دختر بعد از ۹ سال بالغ تلقی شده و می‌تواند ازدواج کند، البته کودک بعد از ۱۸ سالگی در شرایط عادی و در شرایط احراز رشد کودک دختران بعد از ۱۳ سالگی و پسران بعد از ۱۵ سالگی از دسته‌بندی محجورین خارج می‌شوند، بدیهی است که در سایر نظام‌های حقوقی احکام متفاوتی بر این مصادیق جاری است (۵).

آنچه بر اساس متون ادبی و تاریخ ملل مختلف در مورد پدیده کودک‌همسری به دست می‌آید، نشان می‌دهد این پدیده امری رایج و مرسوم بوده است (۶)، در جوامع قرون وسطا در میان یهودیان مقررکردن و ترتیب‌دادن ازدواج دختران نوجوان از حقوق مسلم پدران آن‌ها بوده و اکثر دختران تا قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج می‌کردند (۷)،

حمایتی کودکان است. محدودیت‌های اعمال‌شده توسط انگلستان بر قوانین هندوستان در زمینه حداقل سن مجاز برای ازدواج به واسطه اعتراضات مسلمانان هندوستان دستخوش تغییراتی شد، در سال ۱۹۳۷ قانونی تصویب شد که ازدواج کودکان را با رضایت والدین آن‌ها مجاز می‌دانست، البته پس از استقلال هند و تصویب قانون اساسی این کشور مقررات مرتبط با این زمینه تغییر و حداقل سن قانونی ازدواج برای زنان ۱۸ و برای مردان ۲۱ سال مقرر شد، این قانون از سال ۱۹۷۸ تا به امروز معیار و ملاک تعیین حداقل سن ازدواج در هند است، البته این قانون بدلیل مناقشات فراوان و اعتراض مسلمانان این کشور در دیوان عالی این کشور موضوع بحث و تبادل نظر در پرونده‌های مختلف بوده است (۱۴).

اهمیت حداقل سن ازدواج در حقوق داخلی

مقررکردن حداقل سن قانونی ازدواج در قوانین داخلی کشورها مهم‌ترین اقدام در مقابله با پدیده کودک‌همسری است، تدوین و تصویب قوانین مشخصی در این زمینه می‌تواند از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی و خشونت محافظت کرده و حقوق آن‌ها را تضمین کند، به دلیل وجود متغیرهای فراوان مانند تعلیمات دینی، فرهنگ، سنت و باورهای اجتماعی در زمینه تعیین حداقل سن مجاز برای ازدواج باید به مقررات و قوانین داخلی کشورها توجه کرد، باید در نظر داشت که بین سن قانونی اشخاص در جوامع که به تبع آن نسبت به اقداماتشان ممکن است با مسؤولیت قانونی مواجه شوند و حداقل سن مجاز ازدواج تفاوت وجود دارد، به طور معمول در نظام‌های حقوقی و مقررات آن‌ها برای ازدواج حداقل سن مشخصی در نظر گرفته شده است، اما دو عامل می‌تواند اعمال و اجرای این مقررات را تحت تأثیر قرار دهد، محاکم داخلی کشورها عموماً با توجه به رضایت والدین در ازدواج فرزندان‌شان و احراز رشد کودکان در محاکم ممکن است حداقل سن قانونی مجاز برای ازدواج را نادیده بگیرند (۱۵). بلوغ جسمانی در افراد معمولاً با نشانه‌های مشخصی مانند بروز صفات ثانویه جنسی همراه است، اما این مسأله نباید تنها معیار تعیین بلوغ از منظر قانونی تلقی شود، ازدواج، نکاح و یا

به نظر می‌رسد در میان یهودیان آن زمان ۱۵ سال سن بلوغ دختران نوجوان تلقی می‌شده است (۸). در روم و یونان باستان نیز ازدواج‌های زودهنگام و مادرشدن دختران نوجوان امری رایج و عادی بوده است و حداقل سن مجاز برای ازدواج در میان دختران ۱۲ سال و در میان پسران ۱۴ سال بوده (۹)، در قوانین مدنی انگلستان قرون وسطا که از قوانین امپراطوری روم اقتباس شده بود، ازدواج دختران در سن کم‌تر از ۱۶ سال مجاز بوده است تا اواخر قرن ۱۸ میلادی این پدیده در اروپا امری رایج بود (۱۰). برای مثال ماری آنتوانت همسر لویی شانزدهم فرانسه در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرد، این پدیده در امپراطوری چین آن زمان نیز وجود داشته است، اما در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی در اروپای غربی ازدواج زنان و مردان گاهی تا دهه دوم و سوم زندگی آن‌ها به تأخیر می‌افتاد. همچنین همواره ازدواج و برقراری رابطه جنسی با دختران نوجوان قبل از رسیدن آن‌ها به سن بلوغ امری مذموم و قبیح در نگاه جامعه تلقی می‌شده است، در همین برهه تاریخی دولت بریتانیا، حتی برای مستعمرات خود نظیر هندوستان نیز محدودیت‌های سنی ازدواج وضع کرده بود (۱۱)، اما اولین دولت مسلمانی که برای حداقل سن مجاز ازدواج مقرراتی تنظیم کرد دولت مصر بود که در سال ۱۹۲۳ حداقل سن ازدواج برای زنان را ۱۶ سال و برای مردان ۱۸ سال مقرر کرد (۱۲)، در نتیجه تغییرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و دو جنگ جهانی دولت‌ها با تصویب قوانینی در زمینه کار و تحصیل کودکان به صورت غیر مستقیم بر پدیده کودک‌همسری تأثیر گذاشتند، به تعبیری دولت‌ها به هدف مبارزه با کودک‌همسری به سمت توسعه تربیتی قوانین و مقررات حمایتی کودکان حرکت کردند. برای مثال امروزه در ایالات متحده آمریکا آن دسته از ایالت‌هایی که قوانین مشخصی برای محدودیت سن ازدواج تعیین کرده‌اند، بازه زمانی ۱۵ تا ۲۱ سال را سن مجاز ازدواج اشخاص در نظر گرفته‌اند، سابق بر این آمریکا نیز از قوانین مشابه با انگلستان در زمینه تعیین حداقل سن ازدواج بهره‌مند بود (۱۳)، تحولات و تغییرات نظام‌های آموزشی کشورها و سهولت دسترسی به امکانات آموزشی یکی از مصادیق این توسعه تربیتی قوانین

پیوند زناشویی می‌تواند مسؤولیت‌ها و وظایف سنگینی را متوجه اشخاص کند، بدیهی است که این تعهدات و مسؤولیت‌ها نیازمند آمادگی ذهنی و جسمانی زن و مرد می‌باشد و تعیین کردن حداقل سن مجاز برای ازدواج به هدف اطمینان از حصول توانایی پذیرش این مسؤولیت‌ها است در پدیده کودک‌همسری تعیین حداقل سن مجاز برای ازدواج در شرایطی که نتوان بلوغ و آمادگی هر یک از زوجین را احراز کرد، ممکن است منجر به تحقق اثرات منفی جسمی و روانی بر دختران و پسران نوجوان شود (۱۶).

کودک‌همسری در دختران نوجوان به معنای پایان دوره کودکی آن‌ها است، این موضوع احتمال و خطر خشونت خانگی را افزایش داده و فرصت‌های شغلی و تحصیلی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد برای مثال مطالعات گسترده آماری در کشور اندونزی نشان می‌دهد ۴۴٪ از دخترانی که در بازه زمانی ۱۰ الی ۱۴ سال ازدواج کرده‌اند، قربانی خشونت خانگی شده‌اند. همچنین این مطالعات که در سال ۲۰۱۴ انجام شده، نشان می‌دهد که بیشترین نرخ مرگ و میر نوزادان در این کشور مربوط به منطقه جاکارتا شرقی است و این مسأله ارتباط مستقیمی با مادرانی دارد که در سنین ۱۶ الی ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، بارداری ناخواسته، خشونت فیزیکی، جنسی و روانی در بین جامعه آماری این مطالعات شایع بوده که این موضوع ناشی از افزایش آسیب‌پذیری دختران نوجوان به واسطه ازدواج زودهنگام است (۱۷). اهمیت تعیین حداقل سن مجاز برای ازدواج را میتوان در تعالیم دینی مسلمانان نیز مشاهده کرد، با توجه به اجماع فقها بر اهمیت بلوغ در نکاح و اهمیت ویژه ازدواج و نهاد خانواده در قرآن کریم باید توجه داشت، از آن جهت که در قرآن و احادیث حکم صریحی مبنی بر تعیین حداقل سن مجاز برای ازدواج وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که حداقل سن مجاز برای ازدواج بر حسب شرایط اجتماعی و اقتضای زمان تطبیق پذیر است، چنانکه در نظر فقهای مذاهب مختلف اسلام سن معیار برای ازدواج مختلف است. برای مثال در مذهب شافعی و حنبلی سن بلوغ برای دختران و پسران ۱۵ سال، در مذهب مالکی ۱۷ سال و

در مذهب شیعه جعفری برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شده است (۱۸).

اگرچه ازدواج زودهنگام کودکان در میان دختران رایج‌تر از پسران است، اما مطالعات آماری در سطح جهان نشان می‌دهد که از هر ۲۱ مرد جوان یک نفر از آن‌ها در کودکی ازدواج کرده است، این موضوع بیشتر در میان کشورهای آفریقایی نظیر نیجر و آفریقای مرکزی مشاهده می‌شود. پدیده کودک‌همسری در میان پسران نوجوان نیز نقض حقوق کودک و حقوق بشری آن‌ها تلقی می‌شود، البته فقدان آمارهای دقیق در منابع داخلی کشورها در این زمینه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بررسی وضعیت کودک‌همسری در میان پسران نوجوان است، آسیب‌های روانی ناشی از قبول مسؤولیت خانواده توسط پسران نوجوان در سنین کم اثرات منفی درازمدتی بر زندگی آن‌ها دارد، از طرفی پدرشدن زودهنگام این افراد آن‌هم در شرایطی که به لحاظ اجتماعی ممکن است جایگاه شغلی و تحصیلی مناسبی کسب نکرده باشند، منجر به افزایش هزینه‌های اجتماعی جوامع برای پوشش این آسیب‌ها می‌شود (۲).

باید توجه داشت که ممکن است کودکان بر اثر فشارهای اجتماعی و یا عاطفی گاهی با اراده خود تصمیم به ازدواج زودهنگام بگیرند، اما این موضوع با یک چالش جدی رو به رو است، نوجوانان نمی‌توانند منافع و مصالح بلندمدت خود را به درستی شناسایی کنند، درست است که ازدواج یک پیوند زناشویی است و عواطف و احساسات در این رابطه انسانی اهمیت زیادی دارد، اما ازدواج یا نکاح اثرات مالی نیز با خود به همراه دارد، عدم توجه به مسائل مالی و آثار اجتماعی آن در جامعه می‌تواند در طولانی‌مدت نهاد خانواده را دچار مشکلاتی کند، بدین‌جهت باید بر نقش دولت‌ها در تدوین مقررات و قوانین داخلی در راستای مبارزه با پدیده کودک‌همسری تأکید کرد. برای مثال در کشور انگلستان مداخلات قانونی نظیر جرم‌انگاری ازدواج اجباری و حمایت مدنی از قربانیان آن و یا افزایش میزان حداقل سن مجاز ازدواج انجام شده است، این کشور حتی در قوانین مهاجرتی خود برای آن دسته از همسران غیر اروپایی مقیمان انگلستان نیز محدودیت سنی

ایجاد کرده است و برای اشخاصی که کم‌تر از ۲۱ سال سن دارند، به تبع اقامت همسر آن‌ها در خاک انگلستان ویزا صادر نمی‌کند، چنین اقدامات جدی و تأثیرگذاری در کاهش نرخ ازدواج‌های زود هنگام تأثیر زیادی دارد (۱۹).

عناوین حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف تعاریف و تعبیر منحصر به خود را دارند، بلوغ نیز از این قاعده مستثنی نیست، آنچه که از مفهوم بلوغ در نظام‌های حقوقی اروپا استنباط می‌شود، ارتباط مستقیمی با روان‌شناسی رشد و توانایی اشخاص در اعمال و اجرای اراده آن‌ها دارد. از این رو در مسأله پیشگیری از ازدواج‌های زود هنگام و یا اجباری باید به این نکته توجه شود که حداقل سن مجاز برای ازدواج، سنی تعیین شده باشد که فرد توانایی مقاومت و مخالفت در برابر ازدواج زود هنگام و یا اجباری را کسب کرده باشد (۱۹).

بر این اساس ممکن است حتی برخی از ازدواج‌های زود هنگام به عنوان ازدواج اجباری تلقی شود، زیرا این نظر وجود دارد که کودکی که به بلوغ کامل و عقل سلیم دست پیدا نکرده است، حتی با فرض رضایتش بر ازدواج نمی‌توان پذیرفت که این اراده آزادانه و با آگاهی کامل کودک نسبت به مصالح خود عملی شده است، با توجه به مطالعاتی که در میان اقلیت مسلمان ساکن در انگلستان صورت گرفته مشاهده شده که در میان ازدواج‌های زود هنگام نوجوانان گاهی به واسطه اکراه کودک نمی‌توان رضایت او را احراز کرد که این موضوع مصداق تحقق ازدواج اجباری است، بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعات پدیده کودک‌همسری در میان اقلیت‌های مهاجر هندی، بنگلادشی، پاکستانی، آلبانی، چینی، کشورهای آفریقایی، کشورهای اروپای شرقی و حتی یهودیان و ارتدوکس‌های یونانی نیز رایج است، حالی که اکراه و اجبار در اکثر نظام‌های حقوقی استقرار اراده طرفین یک رابطه حقوقی را با چالش جدی مواجه می‌کند (۱۹). وجود چنین مشکلاتی منجر به تصویب قوانینی در حوزه حقوق خانواده کشور انگلستان و ولز شد که بر اساس آن ازدواج اجباری جرم‌انگاری شد، به واسطه این‌که در ازدواج اجباری نهاد رضا و اراده شخص مستقر نشده است و این مسأله نقض حق بنیادین اشخاص بر رضایت و اراده آزادانه آن‌ها در انتخاب شریک

زندگی تلقی می‌شود، محاکم داخلی این کشور موظف به در نظر گرفتن اقداماتی برای محافظت از قربانیان ازدواج اجباری هستند، البته این جرم‌انگاری به هدف مبارزه با موارد نقض این قانون نبوده و نقشی بازدارنده را در نظر داشته است (۲۰)، چراکه در قوانین و مقررات کشور انگلستان نقض آن دسته از تکالیف و تعهدات مربوط به حوزه حقوق مدنی که منجر به تحقق مسئولیت کیفری می‌شوند، در شدیدترین نوع مجازات، مرتکب با ۵ سال حبس مواجه می‌شود، حالی که مرتکبین نقض این قانون در مورد ازدواج اجباری ممکن است حسب شرایط پرونده با حبس تا ۱۲ سال مواجه شوند، تنها در یک مورد نقض این قانون با مرتکب برخورد قانونی شد که در آن پرونده در سال ۲۰۱۵ یک مرد ۳۴ ساله به ۱۶ سال حبس محکوم شد، این مرد علاوه بر اجبار یک زن ۲۵ ساله به ازدواج با او به وسیله زور و تهدید به تجاوز و اخاذی آن زن نیز متهم شده بود، البته هویت و محتویات این پرونده به دلایل قانونی از دسترس عموم خارج شده است (۲۱).

بر اساس گزارشی که در سال ۲۰۱۲ توسط صندوق جمعیت سازمان ملل متحد منتشر شده، کشور نیجر در آفریقا بالاترین سهم را در آمارهای مرتبط با پدیده کودک‌همسری به خود اختصاص داده است، ۷۵٪ زنان در این جامعه قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، در این کشور حداقل سن مجاز ازدواج برای دختران نوجوان بدون در نظر گرفتن رضایت والدین و یا نظارت دادگاه ۱۵ سال در نظر گرفته شده است (۲۲). بر اساس آمار منتشر شده توسط سازمان یونسف سهم کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۰ از ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال ۱۷٪ بوده است، این در حالی است که در آن سال نرخ آمار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در این کشور ۳٪، یعنی برابر با نرخ آمار میانگین منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است (۲۳).

حداقل سن ازدواج در اسناد بین‌المللی

کودک‌همسری امروزه نیز به عنوان پدیده‌ای گسترش یافته در نقاطی از جهان اتفاق می‌افتد میلیون‌ها دختر نوجوان در کشورهای در حال توسعه قربانی آسیب‌های ناشی از

کودک‌همسری شدند، این کودکان همواره در قبال سلامت، تحصیلات و فرصت‌های شغلی و اجتماعی مخاطب تهدید و خطر به واسطه ازدواج زود هنگام قرار گرفته‌اند، با استناد به آمارهای منتشرشده در گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد مورخ ۲۰۱۲ در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۱ یک‌سوم از دختران کشورهای توسعه‌یافته قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و تخمین زده شده که تنها در سال ۲۰۱۰، ۶۷ میلیون دختر نوجوان قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند (۲۲). این نتایج به اندازه‌ای نگران‌کننده است که دبیرکل سازمان ملل متحد بان کی مون در گزارش سالانه خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ بر لزوم خاتمه پدیده کودک‌همسری در سطح جهان تأکید کرد (۲۴).

بررسی و تحلیل کودک‌همسری در گزارش‌های سالانه سازمان‌های بین‌المللی نشان از اهمیت ویژه این مفهوم در نظر جامعه بین‌المللی دارد، بدیهی است که این پدیده در اسناد و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

اولین سند مورد بررسی در این زمینه اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۹۴۸ است، در ماده ۲ این اعلامیه ذکر شده است که ازدواج باید بر اساس رضایت کامل و آزادانه طرفین ازدواج باشد. همچنین در ماده ۱۶ این اعلامیه به حقوق برابر و مساوی طرفین ازدواج به دور از تبعیضات جنسی، ملی و مذهبی تأکید کرده است (۲۵). اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند بین‌المللی که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و بعد از آنکه این سند در سال ۱۹۷۶ به حد نصاب لازم از نظر رأی مثبت اعضای سازمان ملل رسید، امروزه زیرمجموعه اعلامیه‌های تقنینی سازمان ملل دسته‌بندی می‌شود و بر اساس رویه قضایی بسیاری از کشورها نظیر اتریش، فرانسه و ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از عناصر حقوق موضوعه کشورها تلقی می‌شود (۲۶).

کنوانسیون مکمل لغو برده‌داری از منظر تاریخی دومین سند و کنوانسیون بین‌المللی است که بر پایه کنوانسیون برده‌داری مورخ ۱۹۲۶ در سال ۱۹۵۶ میان ۳۵ دولت طرف

این معاهده امضا شد، این کنوانسیون بر مبنای معاهده کار اجباری ۱۹۳۰ که یکی از ۸ سند بنیادین در سازمان بین‌المللی کار است، به هدف مبارزه با کار در ازای بدهی، برده‌داری، ازدواج با کودکان یا خدمتکاران و بردگی آن‌ها تدوین شده است (۲۷). بر اساس ماده ۱ این کنوانسیون دولت‌های طرف این معاهده موظف‌اند تا تمامی الزامات قانونی برای مبارزه با برده‌داری را در قواعد و مقررات داخلی خود لحاظ کنند، نقطه تلاقی این کنوانسیون با مسأله کودک‌همسری آنجایی بود که تحویل کودکان زیر ۱۸ سال را به هر مؤسسه یا کارفرمایی با هدف استثمار (۲۸) یا کار کودک توسط والدین یا سرپرست قانونی آن‌ها را ممنوع کرده بود (۲۹).

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶ نیز با آنکه صراحتاً هیچ‌گونه محدودیت سنی برای ازدواج تعیین نکرده است، اما بر الزام وجود آگاهی و رضایت هر شخص در ازدواج تأکید کرده، حق ازدواج و تشکیل خانواده اشخاص یکی از حقوق مندرج در مفاد این کنوانسیون است (۳۰)، با استناد بر نظریه تفسیری شماره ۱۹ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد مندرجات ماده ۲۳ این کنوانسیون حداقل سن مجاز ازدواج در قوانین و مقررات داخلی کشورها باید در میزانی تعیین شود که شخص امکان و توانایی اعلام و اعمال رضایت کامل و آزادانه خود را داشته باشد (۳۱). همچنین در ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورخ ۱۹۶۶ تأمین بالاترین حمایت‌های قانونی و اجتماعی از نهاد خانواده وظیفه دولت‌ها تلقی شده است تا به استقرار اقدامات حمایتی در رشد کودکان کمک کند (۳۲). در این زمینه نظریه تفسیری شماره ۱۶ کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد وظایف دولت‌ها در تأمین بالاترین استانداردهای حمایتی از نهاد خانواده با حقوق اشخاص در ازدواج و پیوند زناشویی آن‌ها را مرتبط می‌داند و معتقد است که از آن جهت که زن و مرد باید از حقوقی برابر در این زمینه برخوردار باشند، حداقل سن مجاز ازدواج آن‌ها نیز باید یکسان در نظر گرفته شود، این توصیه به هدف تحقق

هرچه بهتر حقوق این اشخاص در زمینه ازدواج به دور از تبعیض‌های جنسیتی مقرر شده است (۳۳).

کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ در ماده ۲۴ این سند وظیفه مبارزه با سنت‌های آسیب‌زننده به سلامت کودکان را بر عهده دولت‌های طرف این معاهده قرار داده است، البته نظریه تفسیری شماره ۴ کمیسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد با ارائه تفسیر از مواد ۱۳ الی ۱۷ این کنوانسیون اذعان می‌کند که با توجه به حقوق مستقر در این مواد، ازدواج زود هنگام نوجوانان نیز از مصادیق حقوق کودکان در مقابل سنت‌های آسیب‌زننده تلقی می‌شود و عدم توجه به آن از طرف دولت‌ها مصداق نقض حقوق باروری و سلامت جنسی نوجوانان است، این کمیسیون در همین نظریه تفسیری به تأکید بر این‌که حداقل سن قانونی مجاز برای ازدواج در برخی از کشورهای طرف معاهده کمتر از ۱۸ سال است، توصیه می‌کند که این کشورها با افزایش حداقل سن مجاز برای ازدواج به ۱۸ سال در قوانینشان اثرات منفی ناشی از سنت‌های آسیب‌زننده در این زمینه را کاهش دهند (۳۴).

در میان این اسناد بین‌المللی سازمان ملل متحد نباید کنوانسیون رضایت بر ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج مورخ ۱۹۶۲ را از نظر دور داشت، این کنوانسیون به واسطه قطع‌نامه ۱۷۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در حال حاضر ۵۵ دولت طرفین این معاهده به شمار می‌روند، البته آنچه این کنوانسیون را مورد توجه قرار می‌دهد مسئولیتی است که به واسطه آن بر عهده دولت‌ها مبنی بر تعیین حداقل سن مجاز ازدواج و در نظر گرفتن الزامات قانونی برای ثبت رسمی ازدواج‌ها به هدف پیشگیری از وقوع ازدواج‌های زود هنگام و کودک‌همسری قرار دارد، با توجه به شایع و رایج بودن پدیده کودک‌همسری در کشورهای جنوب آسیا و قاره آفریقا حضور برخی از کشورهای هر دو منطقه در این کنوانسیون قابل توجه است. کشورهایی نظیر بنگلادش، لیبی، زیمبابوه و یمن دولتهایی هستند که با وجود نرخ آماری نسبتاً بالا در پدیده کودک‌همسری عضو کنوانسیون مذکور هستند (۳۵).

قطع‌نامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره تلاش برای پیشگیری و حذف پدیده کودک‌همسری و ازدواج اجباری مورخ ۲۰۱۵ در کنار سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با این سازمان نقشی اساسی در شناسایی پدیده کودک‌همسری و ازدواج اجباری به عنوان یکی از مصادیق نقض حقوق بشر ایفا می‌کند، این قطع‌نامه توسعه اقتصادی کشورهای درگیر با این پدیده را تدبیری مناسب در راستای مبارزه با پدیده کودک‌همسری، نابرابری و نقض حقوق زنان و دختران نوجوان در این جوامع می‌داند. تدابیر اتخاذشده در این سند سالیانه بر زندگی ۱۵ میلیون دختر نوجوان تأثیر می‌گذارد و ۸۵ دولت عضو این سازمان با پذیرش این قطع‌نامه نسبت به همکاری در این زمینه اعلام آمادگی کرده‌اند (۳۶).

حداقل سن ازدواج در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای

اسناد سازمان‌های منطقه‌ای بعد از اسناد سازمان‌های بین‌المللی گستردگی و تأثیر بسزایی در استقرار عرف و مقررات مشترک بین کشورهای جهان دارند، بدیهی است که حقوق کودک و قواعد مرتبط با کودک‌همسری به واسطه ماهیت آن‌ها جایگاه ویژه‌ای در اسناد منطقه‌ای دارند، اما نحوه نگرش به این حقوق با توجه به وضعیت کودک‌همسری و ازدواج زود هنگام در هر منطقه با سایر مناطق جغرافیایی متفاوت است. برای مثال کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی مورخ ۱۹۶۹ بر وقوع هر ازدواجی با توجه رضایت کامل و آزادانه طرفین آن تأکید کرده است (۳۷)، اما شرایط در اسناد منطقه‌ای آفریقا به دلیل بالابودن نرخ آمار پدیده کودک‌همسری کمی متفاوت است. منشور حقوق بشر آفریقایی مورخ ۱۹۸۱ با تأکید بر حقوق بشری زنان و کودکان دولت‌های عضو این معاهده را موظف به حصول اطمینان از عدم وجود تبعیض علیه زنان و حفظ حقوق آن‌ها می‌کند (۳۸). همچنین پروتکل الحاقی موسوم به پروتکل ماپوتو این منشور که در سال ۲۰۰۳ به تصویب کمیسیون اتحادیه آفریقا رسید، منحصرأ بر حقوق برابر زن و مرد در ازدواج، رضایت کامل و آزادانه طرفین ازدواج و تعیین ۱۸ سال سن به عنوان حداقل سن مجاز ازدواج تأکید کرد (۳۹).

همچنین اتحادیه توسعه کشورهای جنوب آفریقا که یک سازمان منطقه‌ای در قاره آفریقا است، در پروتکل الحاقی جنسیت و توسعه مصوب سال ۲۰۰۸ نیز ۱۸ سال سن را سن حداقل مجاز برای ازدواج تعیین کرده است (۴۰). علاوه بر منطقه آفریقا، آسیای جنوبی نیز یکی از مناطقی است که با نرخ آمار بالایی در زمینه کودک‌همسری و ازدواج زودهنگام مواجه است. در همین راستا اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا با تصویب کنوانسیون بهبود و توسعه رفاه کودکان در منطقه جنوب آسیا در سال ۲۰۰۲ با تأکید بر وظیفه دولت‌ها مبنی بر ثبت رسمی تولد، ازدواج و مرگ میر به هدف اثربخشی به مقررات داخلی در زمینه ازدواج و کار کودکان قدم‌های مؤثری در زمینه کاهش نرخ آمار کودک‌همسری در این منطقه برداشته است، جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به عنوان عضو ناظر حضور دارد (۴۱).

آرای محاکم داخلی و قوانین مقررات داخلی کشورها عملی و اجرایی‌ترین مستندات قانونی در زمینه‌های مختلف حقوقی هستند، حتی آن دسته از قواعد و مقررات الزام‌آور بین‌المللی نیز به واسطه مقررات و تدابیر قانونی محاکم داخلی کشورها اجرایی می‌شوند، نقش این قبیل مقررات و مستندات قانونی در زمینه مبارزه با کودک‌همسری و ازدواج‌های زودهنگام اساسی و حیاتی است، اگرچه قوانین و مقررات داخلی کشورها متأثر از عوامل گوناگونی نظیر سنت‌ها، فرهنگ‌ها و باورهای اجتماعی است، اما همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، بهترین تدبیر موجود در راستای مبارزه با کودک‌همسری تصویب و تدوین قوانین و مقررات ویژه در این زمینه است.

در قانون مدنی کشور نیجر که بالاترین نرخ آمار کودک‌همسری در سطح جهان را دارد، به موجب ماده ۱۴۴ این قانون حداقل سن ازدواج برای مردان ۱۸ سال و برای زنان ۱۵ سال تعیین شده است، البته باید توجه داشت که به موجب ماده ۱۴۵ این قانون صلاحیت ترتیب اثرن دادن این قانون به واسطه دلایل مشخص و ویژه‌ای به رئیس‌جمهور این کشور اعطا شده است (۴۲).

در ماده ۷۰ و ۷۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان ازدواج مرد کمتر از ۱۸ سال و زن کمتر از ۱۶ سال منحصرأً با

رضایت ولی و یا حکم دادگاه معتبر در نظر گرفته می‌شود. همچنین ازدواج دختر نوجوان کمتر از ۱۵ سال حتی با رضایت ولی او مجاز نیست (۴۳). این در حالی است که بر اساس قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران یکی از ارکان صحت عقد نکاح بلوغ طرفین است که بر اساس اجماع فقها در این زمینه برای دختران ۹ سالگی و برای پسران در ۱۵ سالگی تحقق می‌یابد.

در منطقه خاورمیانه کشور امارات متحده عربی نیز قوانینی بر مبنای شریعت اسلام را در نظام حقوقی خود پذیرفته است، اما در مورد تعیین حداقل سن ازدواج با اقتباس از قوانین مصر و فرانسه ۱۸ سال سن را حداقل سن مجاز ازدواج در نظر گرفته است (۴۴).

در میان کشورهای توسعه یافته ایالات متحده آمریکا به واسطه وصف فدرال بودن نظام سیاسی حاکم بر این کشور قوانین منحصر و ویژه‌ای در زمینه حداقل سن مجاز برای تعیین شده که در میان ایالت‌های مختلف این کشور متفاوت است، برای مثال به موجب قوانین ایالت آلاباما حداقل سن مجاز ازدواج ۱۶ سال در نظر گرفته شده است یا در ایالت کالیفرنیا این میزان ۱۸ سال سن مقرر شده است، این مسأله در حالی است که ۱۷ ایالت این کشور حداقل سن مجاز ازدواج را در قوانین ایالتی خود تدوین نکرده است، ایالت ماساچوست یکی از این ایالت‌ها می‌باشد که با وجود آنکه صراحتاً حداقل سن ازدواج را در قوانین ایالتی مشخص نکرده، در بخش هفتم فصل مرتبط با ازدواج و روابط میان فردی قوانین عمومی ایالت ماساچوست، کشیش یا برگزارکننده مراسم ازدواج را از اجرای مراسم برای شخصی که احتمال می‌دهد کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، منع می‌کند (۴۵).

نتیجه‌گیری

نکاح صغیر یا همان کودک‌همسری پدیده‌ای است که امروزه نیز در سراسر جهان اتفاق می‌افتد، این پدیده می‌تواند آسیب‌های متعددی را برای قربانیان آن به همراه داشته باشد، اگرچه که کودک‌همسری فارغ از جنسیت می‌تواند پسران نوجوان را نیز تحت تأثیر قرار داده و خطرات و آسیب‌های

اجتماعی و روانی متعددی را متوجه آن‌ها سازد، اما به دلیل و اختلاف و فاصله فاحش نرخ آمار کودک‌همسری در میان دختران نوجوان کمتر به این مسأله با توجه به قربانیان مذکور آن پرداخته شده است. حمایت از دختران نوجوان در مقابل نقض حقوق آن‌ها در پدیده کودک‌همسری در نظرگرفتن مصالح و منافع کودکان و نوجوانان است که وظیفه دولت‌ها به تبع تعهدات بین‌المللی آن‌ها تلقی می‌شود. دولت‌ها باید در راستای آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به والدین کودکان در جوامع آن‌ها را از خطرات و آسیب‌های کودک‌همسری و ازدواج‌های زودهنگام آگاه کرده و با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارند، آن دسته از مشکلات جوامع را که می‌تواند منجر به بروز چنین پدیده‌ای شود، کنترل کنند. کودک به عنوان انسان باید از حقوق انسانی و بشری خود نظیر حق بر سلامت، تحصیل و رشد شخصی و... برخوردار باشد، گسترش و توسعه صلاحیت والدین بر تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری برای آن‌ها به واسطه نهادهای قانونی ممکن است تأثیرات منفی بر حقوق این کودکان داشته باشد، مبارزه با تبعیض‌های جنسیتی و توسعه برابری جنسیتی در جوامع نیز می‌تواند منجر به کاهش نرخ آمار کودک‌همسری و ازدواج‌های زودهنگام شود. تأثیر مستقیم کودک‌همسری بر کودکان دختر یکی از دغدغه‌های اصلی مکاتب و تفکرات مدرن اسلامی است. اندیشمندان این حوزه در تلاش‌اند تا فصل مشترکی بین قواعد و قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق زنان و تعالیم اسلامی بیابند و در نقطه مقابل مکاتب و تفکرات سنتی اسلامی در تلاش‌اند تا حقوق زنان را از منظر اسلام سنتی به عنوان قواعد الهی جهان‌شمول بنگرند، هر دو دیدگاه و مکتب اسلامی در استناد به قرآن و سنت با یکدیگر مشترک‌اند و ریشه اختلافات این دو مکتب به قرائت‌های متفاوت آن‌ها از فقه اسلامی بازمی‌گردد. باید توجه داشت که قرائت‌های فقهی موجود از کودک‌همسری تحت تأثیر عوامل فرهنگی و تاریخی جوامع مسلمان است و با توجه به این نکته که در قرآن و احادیث موجود حکم صریحی مبنی بر تعیین حداقل سن مجاز برای ازدواج وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که فقه اسلامی در نزدیک‌شدن به استانداردهای بین‌المللی در این زمینه آزاد است.

با توجه به مسؤولیت‌های مستقر در اسناد بین‌المللی مختلف در زمینه کودک‌همسری علی‌الخصوص اسناد بین‌المللی حقوق بشری، کشورهایی که به صورت گسترده‌تری از سایر کشورها با این پدیده مواجه هستند، می‌توانند با تطبیق قوانین داخلی خود با دستورالعمل‌های موجود در این اسناد به استانداردهای بین‌المللی در این زمینه نزدیک‌تر شده و میزان نرخ آمار کودک‌همسری و ازدواج‌های زود هنگام را کاهش بدهند، در بسیاری از این اسناد بین‌المللی همانطور که در راستای این پژوهش به آن اشاره کردیم، دولت‌ها به تعیین حداقل سن مجاز ازدواج در ۱۸ سالگی تشویق شده‌اند. این تدبیر راهکار مناسبی برای حصول اطمینان از تحقق رضایت آزادانه و کامل در ازدواج‌های اشخاص در جوامع است.

سازمان ملل متحد در طول ۶ دهه گذشته اسناد و قطع‌نامه‌های مختلفی را در زمینه کودک‌همسری و ازدواج زودهنگام تصویب کرده است، نقطه نظر مشترک این اسناد در تأثیر مستقیم فقر و محرومیت از تحصیل در کودک‌همسری است، سازمان‌های بین‌المللی فعال در این زمینه با توجه به رواج این پدیده در کشورهای در حال توسعه ارتباط بین فقر و محرومیت از تحصیل را با این پدیده احراز کرده‌اند، فعالیت کشورهای توسعه‌یافته و سازمان‌های بشردوستانه فعال در این زمینه می‌تواند به بهبود شرایط و وضعیت این پدیده در کشورهای در حال توسعه یاری‌رسان باشد. قطع‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در این زمینه فارغ از اثر الزام‌آور یا غیر الزام‌آور این اسناد بر اعضای سازمان ملل متحد می‌توانند مبنای توسعه و گسترش تدریجی حقوق نرم و قواعد عرفی بین‌المللی و به تبع آن تصویب معاهدات الزام‌آور بیشتری در این زمینه در جامعه جهانی بشوند.

References

1. Liefwaard Y, Doek J. Litigating the Rights of Child: Taking Stock After 25 Years of the CRC. In: Doek J, Liefwaard T. Litigating the Rights of the Child: The UN Convention on the Rights of the Child in Domestic and International Jurisprudence. London: Springer; 2014. p.1-13.
2. Murray Gaston C, Misunas C, Cappa C. Child Marriage among Boys: A Global Overview of Available Data. *Vulnerable Children and Youth Studies Journal* 2019; 14(3): 219-228.
3. Nour NM. Child Marriage: A Silent Health and Human Rights Issue. *Reviews in Obstetrics and Gynecology* 2019; 2(1): 51-56.
4. Child Marriage: Latest trends and future prospects. UNICEF Data. 2019. Available at: <http://www.data.unicef.org/resources/child-marriage-latest-trends-and-future-prospects/>.
5. Crone P. Pre Industrial Societies: Anatomy of the Pre-Modern World. London: One world Publications; 2015. p.27-47.
6. Parsons J, Edmeades J, Wodon Q. Economic Impacts of Child Marriage: A Review of the Literature. *The Review of Faith & International Affairs* 2015; 13(1): 12-22.
7. Khorasani M. Wisdom Leader. Qom: Esmat publication; 2012. p.109-133.
8. Katouzian MN. Advanced Civil Law Lectures. Tehran: Tehran University Publication; 2011. p.8-10.
9. Safaie H. Civil law. Tehran: Mizan; 2015. p.96-115.
10. Levitt L. Jews and Feminism: The Ambivalent Search for Home. London: Taylor & Francis; 2013. p.66-68.
11. Laiou AE. Consent and Coercion to Sex and Marriage in Ancient and Medieval Societies. Washington D.C: Dumbarton Oaks Research Library and Collection; 2010. p.85-190.
12. Dahl GB. Early Teen Marriage and Future Poverty. London: Springer Nature Publications Demography; 2018. Vol.47 p.689-718.
13. Saito O. Historical Demography: Achievements and Prospects. *Population Studies* 2014; 50: 537-553.
14. Brown J. Misquoting Muhammad: The Challenge and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy. London: One World Publications; 2015. p.3140-3150.
15. Arthur M, Earle A, Heymann J. Child Marriage Laws around the World: Minimum Marriage Age, Legal Exceptions and Gender Disparities. *Journal of Women, Politics & Policy* 2017; 39(1): 51-74.
16. Lemmon G, Elharake L. Child Brides, Global Consequences: How to End Child Marriage. London: Council on Foreign Relations; 2014. p.4-21.
17. Siti R. The Importance of Revising Policy of Minimum Age of Marriage: A Philosophical, Sociological and Juridical Argumentation. *SHS Web Conferences* 2018; 54(1): 6-19.
18. Santhya G, Ram U, Acharya R, Singh A. Associations Between Early Marriage and Young Women's Marital and Reproductive Health Outcomes: Evidence from India. *Journal of International Perspectives on Sexual and Reproductive Health* 2010; 36(1): 132-139.
19. Gill K, Hamed T. Muslim Women and Forced Marriages in The UK. *Journal of Muslims Minority Affairs* 2016; 36(1): 540-560.
20. Gill K, Van-Engeland A. Criminalization or Multiculturalism without Culture? Comparing British and French Approaches to Tackling Forced Marriage. *Journal of Social Welfare and Family Law* 2014; 3(1): 241-259.
21. Businessman Is First Person Jailed Under Forced Marriage Laws. Available at: <http://www.theguardian.com/society/2015/jun/10/34-year-old-man-first-person-to-be-convicted-under-forced-marriage-laws>.
22. UNFPA. Marrying Too Young, End Child Marriage. The United Nations Population Fund. 2012. Available at: <http://www.unfpa.org>.
23. UNICEF. Note on the Child Marriage. UNICEF Global Databases. 2010. Available at: <http://www.data.unicef.org>.
24. Ross S. Women's Human Rights: The International and Comparative Law Casebook. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press; 2013. p.328-338.
25. Nikhilesh N. Right to Marriage of Sexual Minorities: A Human Right Perspective. London: Swamy Law House; 2020. p.33-40.
26. Schutter O. International Human Rights Law: Cases, Materials, Commentary. Cambridge: Cambridge University Press; 2014. p.33-39.
27. Allain J. Slavery in International Law: Of Human Exploitation and Trafficking. Boston: Martinus Nijhoff Publishers; 2014. p.146-147.
28. Close P. Child Labour in Global Society. London: Emerald Group Publishing Limited; 2014. p.21-23.

29. Calimoutou E, Liu Y, Mbu B. Compendium of International and National Legal Frameworks on Child Marriage. Law, Justice and Development. Washington: World Bank Group; 2016. p.11-18.
30. Conte J. Child Abuse and Neglect Worldwide. London: ABC-CLIO; 2014. p.1-8.
31. UN Human Rights Committee (HRC). CCPR General Comment No. 19: Article 23 (The Family) Protection of the Family, the Right to Marriage and Equality of the Spouses. 1990. Available at: <http://www.refworld.org/docid/45139bd74.html>.
32. Saul B, Kinley D, Mowbray J. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: Cases, Materials and Commentary. Oxford: Oxford University Press; 2014. p.790-792.
33. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR). General Comment No. 16. The Equal Right of Men and Women to the Enjoyment of All Economic, Social and Cultural Rights (Art.3 of the Covenant). 2005. Available at: <http://www.refworld.org/docid/43f3067ae.html>.
34. UN Committee on the Rights of the Child (CRC). General Comment No. 4: Adolescent Health and Development in the Context of the Convention on the Rights of the Child. 2003. Available at: <http://www.refworld.org/docid/4538834f0.html>.
35. Malone D, Villalpando S, Chesterman S. The Oxford Handbook of United Nations Treaties. Oxford: Oxford University Press; 2019. p.254-259.
36. UN Human Rights Council. Strengthening Efforts to Prevent and Eliminate Child Early and Forced Marriage Resolution. 2015. Available at: <http://www.ohchr.org>.
37. Volodin V, Donders Y. Human Rights in Education, Science and Culture: Legal Developments and Challenges. Delhi: Ashgate Publishing; 2007. p.166-167.
38. Todres J, King S. The Oxford Handbook of Children's Rights Law. Oxford: Oxford University Press; 2020. p.625-626.
39. The Protocol to the African Charter on Human and People's Rights on the Rights of Women in Africa (Maputo Protocol). 2003. Available at: <http://www.un.org>.
40. Morna C, Glenwright D, Makamure L. SADC Gender Protocol 2018 Barometer. London: Gender Links; 2018. p.54-55.
41. SAARC Convention on Regional Arrangements for the Promotion of the Child Welfare in South Asia. 2002. Available at: <http://www.jus.uio.no/english/services/library/treaties/02/2-05/child-welfare-asia.xml>.
42. Niger Civil Code 2005. Available at: http://www.africanchildforum.org/clr/Legislation%20Per%20Country/Niger/niger_civilcode_2005_fr.pdf.
43. Civil Law of the Republic of Afghanistan, Civil Code 1977. Available at: <http://www.cdn.law.stanford.edu/wp-content/uploads/2015/10/Civil-Code-of-Afghanistan-ALEP-Translation.pdf>.
44. United Arab Emirates Federal Law No.28 of 2005 on Personal Status of 19 November 2005. Available at: <http://www.hrw.org/sites/default/files/unitedarabemirates.pdf>.
45. Syrett N. American Child Bride: A History of Minors and Marriage in the United States. Carolina: University of North Carolina Press; 2018. p.12-16.